

ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیه الله خامنه ای

عباس نوری*

تأیید: ۹۷/۱۲/۷

دریافت: ۹۷/۱۱/۴

چکیده

سؤال اصلی مقاله این است که ماهیت دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیه الله خامنه ای (مد ظله العالی) چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، از روش تحقیق کیفی از نوع تحلیل اسنادی استفاده شده است. برای شناخت صحیح و جامع از ماهیت هر مسأله ای از مهمترین امور مربوط به آن است؛ چراکه بوسیله این شناخت، قضاوت و تصمیم درستی درباره آن صورت می گیرد. یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد دولت اسلامی در دیدگاه آیه الله خامنه ای (مد ظله العالی) به معنای مجموعه کارگزاران، قوا و نهادهایی است که در اداره کشور نقش دارند. این دولت، ماهیتی کاملاً دینی (اسلامی) دارد و با الگوگیری از دولت نبوی ۹ و دولت علوی ۷ و متناسب با شرایط امروز شکل می گیرد و دارای ویژگی ها، شاخص ها و وظایف مهمی است که باید از عهده آنها برآید؛ در غیر این صورت با چالش جدی روبرو خواهد شد. هدف نهایی دولت اسلامی نیز توسعه معرفت الله و رستگاری انسان است.

واژگان کلیدی

ماهیت و چیستی، آیه الله خامنه ای، دولت اسلامی، انقلاب اسلامی

* کارشناسی ارشد جامعه شناسی انقلاب دانشگاه شاهد: abasnori64@yahoo.com

مقدمه

از مفاهیم بسیار مهمی که امروزه پژوهشگران را واداشته تا در مورد آن به شاخص‌سازی و معیارسازی دست بزنند، مسأله دولت اسلامی است. اما برای درک بهتر این مفهوم، بهترین و معتبرترین منبع، اندیشه‌های حضرت آیه‌الله خامنه‌ای است. زیرا ایشان رئیس دولت در جمهوری اسلامی بوده و در این زمینه تجربه بسیار با ارزش و گرانی دارد. مهمتر آنکه رهبری انقلاب به عنوان مرجع عالیقدر دینی، پایه‌گذار مبحث فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی است.

آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) در جایگاه رهبری انقلاب اسلامی، جهت پیشبرد انقلاب اسلامی، دولت اسلامی را مرحله سوم از فرآیند تحقق کامل آن ذکر می‌کنند که تاکنون شکل نگرفته است. در همین راستا و با توجه به اهمیت آن در رسیدن به اهداف غایی انقلاب اسلامی، ایشان در سال‌های رهبری خویش، ماهیت دولت اسلامی را با توجه به الگوی نبوی و علوی بیان فرموده‌اند. همچنین سیره امام خمینی¹ و مجموعه بیانات بنیانگذار انقلاب، چراغ راه ایشان بوده است. مقام معظم رهبری به عنوان مغز متفکر و سکاندار انقلاب، شایسته‌ترین کسی است که می‌تواند ماهیت دولت اسلامی را آنطور که در شأن انقلاب اسلامی است، مطرح کند. لذا در این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که ماهیت دولت اسلامی در اندیشه حضرت آیه‌الله خامنه‌ای چیست؟

چارچوب نظری

بحث پیرامون مبانی نظری در باب دولت اسلامی مستلزم بیان ماهیت، اهداف، ساختار و کارکرد دولت است. از این رو، مبانی نظری موجود در باب دولت بطور عام و دولت اسلامی بطور خاص مورد بررسی قرار گرفته است.

ماهیت دولت

در طول تاریخ، ماهیت دولت و اینکه دولت در حقیقت چه می‌تواند باشد، مورد بحث و بررسی بوده است. از طرفی دولت را می‌توان ساختی از قدرت دانست که ملت‌ها بمنظور برقراری نظم و قانون در بین خود و دفاع از سرزمین‌شان بوجود

می‌آورند (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳) و از طرفی «دولت عالی‌ترین مظهر رابطه قدرت و حاکمیتی است که در همه جوامع وجود داشته است» (بشیریه، ۱۳۸۷، ص ۲۶). همچنین «آشوری» ماهیت دولت را با بیان ارکان آن اینگونه تعریف می‌کند:

دولت ساخت قدرتی که در سرزمین معین بر مردمانی معین، تسلط پایدار دارد و از نظر داخلی، نگهبان نظم به شمار می‌آید و از نظر خارجی پاسدار تمامیت سرزمین و منافع ملت و یکایک شهروندان خویش؛ این ساخت قدرت بصورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی فعلیت می‌یابد (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۱۶۲).

از طرفی «هیوود» دولت را از سه چشم‌انداز و رویکرد ایدئالیستی، رویکرد کارکردگرایانه و رویکرد سازمانی مورد بررسی قرار داده است. در رویکرد ایدئالیستی که برگرفته از «هگل» است، در واقع از نظر او سه لحظه زندگی اجتماعی افراد در خانواده، جامعه مدنی و دولت مشخص می‌شوند که خانواده عرصه «ازخودگذشتگی خاص»، جامعه مدنی عرصه «خودگرایی همگانی» و دولت تبلور «ازخودگذشتگی همگانی» است. در رویکرد کارکردگرایانه، دولت مجموعه‌ای از نهادها است که کارکرد نظم و ثبات اجتماعی را برعهده دارد. در واقع این رویکرد، نقش یا هدف نهادهای دولت را مورد توجه قرار می‌دهد. رویکرد سوم رویکرد سازمانی است که دولت را مجموعه‌ای از نهادهای «عمومی» معرفی می‌کند که مسؤول سازماندهی جمعی زندگی اجتماعی‌اند و به هزینه عموم مردم تأسیس شده‌اند. «هیوود»، دولت را انجمنی سیاسی می‌داند که حکمرانی خود را با استفاده از مجموعه نهادهای دائمی در یک سرزمین اعمال می‌کند و اقتدارش را بکار می‌برد. مهمترین ویژگی‌های دولت را حکمرانی و به‌کاربردن قدرت مطلق و نامحدود، عمومی بودن نهادهای دولتی، مشروعیت‌داشتن، ابزار سلطه‌بودن و سرزمینی بودن برمی‌شمارد (هیوود، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱-۱۲۹). با توجه به تعاریف و مفاهیم مختلفی که ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که در اصطلاح سیاسی، دیدگاه‌های مختلفی درباره دولت و مفهوم آن وجود دارد. اما در نظر اغلب اندیشمندان حوزه سیاست، دولت، کیفیتی از خود ملت است؛ نیرویی که از اجتماع مردم واحد و متشکل در

سرزمین معین و محدود، آزاد می‌شود. دولت، قدرت عمومی کاملی است که به حکومت شأن و حیثیت می‌بخشد. البته حکومت هم مجری و حامل اقتدار دولت است و این اقتدار مستمر، فراتر از حکام و اتباع است و به کشور و سازمان سیاسی آن، تداوم و همبستگی می‌بخشد (وینسنت، ۱۳۷۱، ص ۵۷-۵۶).

اهداف دولت

از آنجا که دولت‌ها برخاسته از نظام‌های سیاسی متفاوتی هستند و هر نظام سیاسی، نگاه خاص خود را به انسان، جهان و عالم هستی دارد، می‌توان گفت دولت‌ها نیز با توجه به نظام سیاسی متفاوتی که از آن سر برآورده‌اند، تمایز می‌یابند. در نتیجه اهداف و وظایف دولت‌ها از هم افتراق می‌یابند و هر دولتی در چهارچوب نظام سیاسی برخاسته از آن به دنبال تحقق اهداف خود است. در این بین، نظام سیاسی اسلام، اهداف و مبانی خاص خود را دارد و با توجه به همین مبانی و اصول نیز دولت اسلامی متناسب با آن شکل می‌گیرد (عظیمی شوشتری، ۱۳۸۸، ش ۱، ص ۱۲۸-۹۹).

ساختار دولت

جهت تحقق دین در جامعه و رسیدن به اهداف و آرمان‌های شریعت، تشکیل دولت اسلامی ضرورت می‌یابد. در واقع دین اسلام از فحشا، منکرات و بغی نهی می‌کند. «بغی» نیز به معنای ظلم کردن و از حقوق خود تجاوز کردن است. از طرفی امر خدا فقط امر زبانی نیست و نهی خدا نیز فقط نهی ارشادی نیست که با گفتن تحقق یابد، بلکه امر و نهی خدا با شکل‌گیری نظام اسلامی و قوام جامعه اسلامی صورت می‌گیرد. این امر مهم هم جز با اختیارات حکومت اسلامی و دستگاه اجرایی و دولت اسلامی امکان‌پذیر نیست.^۱ به همین دلیل ساخت یافتن دولت اسلامی و تعریف محدوده و ساختارهای آن اهمیت می‌یابد.

کارکرد دولت

در هر نظام سیاسی، دولت جهت پیشبرد اهداف مد نظر آن نظام شکل می‌گیرد، در نتیجه دولت کارکردهای خاصی را بر عهده می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۸۷، ص ۲۷). می‌توان

کارویژه‌های عمومی دولت را به چهار بخش ایجاد همبستگی، حل کشمکش‌ها و منازعات، دستیابی به اهداف کلی حکومت و تطبیق با شرایط جدید دانست (همان، ص ۱۱۱-۱۰۸).

دین و دولت در نظام سیاسی اسلام

برای تبیین دین و دولت، در واقع دولت دینی ابتدا لازم است اجزای این ترکیب تحلیل شود؛ یعنی ابتدا باید ماهیت دین و بعد ماهیت دین آشکار شود. لذا جهت فهم ارتباط دین و دولت در نظام سیاسی اسلام که به عنوان پایه و مبنای کار این مقاله قرار گرفته است، به بیان ماهیت و چیستی دین و دولت در اسلام و ارکان اصلی دین و دولت می‌پردازیم.

ماهیت دین

دین به طرق مختلف تعریف شده است. اما آنچه از منظر برخی اندیشمندان مسلمان در این باره بیان شده این است که دین را باید با توجه به عناصر اصلی پیام آن تعریف کرد. بنابراین، می‌توان گفت: «دین عبارت است از مجموعه عقاید، اخلاق و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانها لازم است» (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۶۳). طبق این تعریف، دین از دو رکن اساسی تشکیل می‌گردد:

رکن اول: اعتقاد به وجود خداوند یکتا، نظارت و سلطه مطلقه او بر جهان هستی و دادگری مطلق او و اعتقاد به ابدیت که بدون آن، حیات و کل جهان هستی، معمایی لاینحل خواهد بود. همه این اعتقادات، مستند به عقل سلیم و دریافت فطری بدون تقلید می‌باشد.

رکن دوم: برنامه حرکت به سوی اهداف قرب الهی و عدالت اجتماعی است که این برنامه، احکام و تکالیف نامیده می‌شود.

دین، بویژه دین اسلام که دارای ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و تنها مشتمل بر توصیه‌های اخلاقی و عبادی نیست، ارتباط وثیقی با سعادت مادی و معنوی، رفاه، ترقی، پیشرفت و توسعه دارد. به تعبیر «اریک فروم»، اسلام، مانند دین

یهود و مذهب پروتستان از مذاهب مذکر است که رستگاری را از طریق کار و ثروت توصیه می‌کند؛ در حالی که مذاهب مؤنث (مانند کاتولیک) به آخرت‌گرایی صرف و تسلیم در این دنیا دعوت می‌کند. در نتیجه، مذهب مذکر، نقش مثبت بر توسعه می‌گذارد و مذهب مؤنث، نقشی منفی ایفا می‌کند (فروم، ۱۳۵۶، فصل سوم). در ادیان مؤنث، نوعی زهد منفی منفعلانه آخرت‌گرا و دنیاستیزانه وجود دارد، اما بر عکس، در دینی مثل اسلام، زهد فعال دنیوی و عرفان حماسی و تحرک‌آفرین و نشاط‌آور وجود دارد که نه تنها مانع کسب و کار و فعالیت نیست، بلکه به مؤمن جرأت و شهامت اقدام و خطرکردن نیز می‌بخشد و منشأ تحول و حرکت می‌شود (جهانیان، ۱۳۸۹، ش ۴، ص ۸۴).

ماهیت دولت اسلامی در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای

در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای، دولت اسلامی از معنا و مفهوم خاصی برخوردار است. ایشان دولت را شامل مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی می‌داند: «دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است، نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومتگران و خدمتگزاران عمومی» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸).

ایشان در جای دیگری ایجاد دولت اسلامی را در نسبت با ایجاد جامعه اسلامی تعریف می‌کنند و می‌فرمایند: «دولت اسلامی؛ یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی» (همان، ۱۳۹۰/۷/۲۴)؛ چنانکه می‌بینیم در اندیشه ایشان، دولت اسلامی مرحله‌ای بالاتر از شکل‌گیری نهادها و ارکان رسمی حکومت بوده و در واقع به انطباق محتوای نظام و جهت‌گیری و رفتار کارگزاران آن با ملاکها و معیارهای اسلامی برمی‌گردد.

مبانی و مؤلفه‌های دولت اسلامی در اندیشه حضرت آیه‌الله خامنه‌ای

مبانی و مؤلفه‌های دولت در اندیشه مقام معظم رهبری بر اسلامی بودن دولت تأکید دارد. مورد اول، پیوند دین و سیاست است که آن را می‌توان در اسلام سیاسی خلاصه کرد. مورد بعدی ضرورت حیات اجتماعی است که ایجاب می‌کند برای رفع امورات زندگی فردی و اجتماعی نیاز به یک حکومت است و اسلامی بودن آن در وهله بعدی

است. لزوم تحقق حیات طیبه مورد بعدی در مبانی دولت اسلامی است، تحقق کامل اسلام و رساندن مردم به سعادت، باعث الگوشدن نظام اسلامی خواهد شد. شاخص‌های دولت اسلامی در بیانات ایشان نیز مشتمل بر شاخص‌های اعتقادی و اخلاقی، خدمت به خلق، قانون‌گرایی، سلامت اقتصادی و اجر نهادن به عدالت است. همچنین ایشان برای دولت کارکردهای تربیتی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قائل هستند. نقش دولت اسلامی جایگاهی است که در ایجاد و تحقق تمدن نوین اسلامی دارد که در دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج) نیز است. ساختار دولت اسلامی مد نظر ایشان نیز شامل سه قوه مجریه، مقننه و قوه قضائیه است.

پیوند بین دین و سیاست

در دیدگاه مقام معظم رهبری، اسلام یک دین سیاسی است و دولت نمی‌تواند نسبت به آموزه‌های اسلامی، انفعالی رفتار کند، بلکه در واقع، دولت باید مجری احکام و آموزه‌های اسلامی باشد. مقام معظم رهبری در این رابطه چنین می‌فرماید: «آن عاملی که در اسلام ضامن اجرای احکام است، حکومت اسلامی و حاکمیت احکام قرآن است» (همان، ۱۳۷۸/۱/۱۶). ایشان ضمن نقد سکولاریسم در اسلام، تشکیل نظام اسلامی در ایران معاصر را پدیده‌ای بی‌بدیل برای تاریخ ایران و فرصتی مغتنم برای حکمرانی دینی می‌دانند. همچنین پیوند دین و سیاست را در قالب اسلام سیاسی ذکر کرده و می‌فرماید: «... معنای اسلام سیاسی این است، اسلام سیاسی؛ یعنی اسلامی که سیاست اداره جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده می‌گیرد؛ یعنی اسلام می‌شود مدیر جامعه» (همان، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵).

تشکیل دولت، ضرورت حیات اجتماعی

در دیدگاه مقام معظم رهبری تشکیل و ساخت دولت، صرف نظر از ماهیت و ذات آن، یک ضرورت اجتماعی بشمار می‌آید و انسانها ناگزیرند برای پیشبرد امورات زندگی فردی و اجتماعی تن به دولت دهند. ایشان با استناد به سیره علوی 7 در این

رابطه چنین می‌فرمایند:

امیرالمؤمنین می‌گوید در جامعه حکومت لازم است. «و انه لا بد للناس من امیرٍ برّ او فاجر» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). این یک ضرورت اجتماعی است، یک ضرورت طبیعی و انسانی است که جامعه احتیاج دارد به یک اداره‌کننده‌ای، به یک مدیری، یا مدیر خوب یا مدیر بد، مسأله خوب و بد بودن مدیر مسأله بعدی است، ضرورت زندگی انسان ایجاب می‌کند که یک مدیری وجود داشته باشد» (همان، ۱۳۶۰/۲/۲۹).

لزوم تحقق حیات طیبه اسلامی

بنظر می‌رسد سومین مبنایی که تشکیل دولت اسلامی را در دیدگاه مقام معظم رهبری توجیه می‌کند، لزوم تحقق حیات طیبه اسلامی بمنابه یک الگو بمنظور نشان دادن کارآمدی دین اسلام در اداره شؤونات فردی و اجتماعی انسانها است؛ در واقع تحقق اسلام، معیار هرگونه تصمیم‌گیری است. مقام معظم رهبری در این رابطه چنین می‌فرمایند:

در همه کارهایی که ما داریم، در همه تلاش‌هایی که می‌کنیم، چه تصمیم‌هایی که در مسائل اقتصادی می‌گیریم، چه در مسائل فرهنگی، ما باید این اصل را از یاد نبریم که وظیفه ما تحقق بخشیدن به اسلام بکامله است؛ باید دنبال اسلام کامل باشیم (همان، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

در این راستا معظم له در جایی دیگر به صراحت تحقق حیات طیبه را از اهداف تغییر رژیم پهلوی دانسته‌اند و می‌فرمایند:

ما فرقمان با بقیه گروه‌هایی که در کشورهای مختلف می‌آیند یک رژیمی را تغییر می‌دهند، بر سر کار می‌آیند و قدرت را بدست می‌گیرند، این است که ما آمدیم برای اینکه یک جامعه اسلامی بوجود بیاوریم؛ ما آمدیم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم (همان، ۱۳۸۷/۶/۱۹).

شاخص‌های دولت اسلامی

ماهیت دولت اسلامی بگونه‌ای است که باید دارای شاخصه‌هایی باشد تا آن را دولت اسلامی نامید؛ وگرنه اکتفا به اسم می‌شود که دیگر اسلام نیست. ایشان در قالب دولت کریمه، شاخص‌هایی از جمله عزیز، سربلند، دارای اعتقاد راسخ در راه خود، نفوذناپذیر و ... برمی‌شمارند.^۲ برخی دیگر از شاخص‌های دولت اسلامی مد نظر مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) به تفصیل در ذیل آمده است:

دولت اسلامی دارای شاخص‌هایی است که در رأس آنها روحیه خدمت به مردم با تکیه بر کار جهادی قرار دارد. این شاخص در بیانات رهبر انقلاب اسلامی مورد تأکید ویژه‌ای قرار گرفته است. این تأکید تا حدی است که از آن تحت عنوان گفتمان اصلی دولت اسلامی یاد شده است.^۳ در بیانات رهبری شاهد هستیم که خدمت به مردم به عنوان فلسفه وجود حاکمان و کارگزاران قلمداد شده است.^۴

سایر شاخص‌های دولت اسلامی عبارتند از:

۱. سلامت اخلاقی و عملکردی (با تکیه بر اعتماد به وعده‌های الهی).
 ۲. عدالت‌طلبی (با در نظر داشتن ضرورت همراهی پیشرفت با عدالت).
 ۳. سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد.
 ۴. توجه به قانون و نهادینه نمودن آن (با تأکید بر رعایت اسناد بالادستی).
 ۵. حکمت و خردگرایی در امور (با تأکید بر استفاده از ظرفیت کارشناسی کشور).
 ۶. تکیه به ظرفیت و توانایی درونزای کشور (نوری، ۱۳۹۷، ص ۶۲۷-۶۲۴).
- مجموعه این شاخص‌ها نمایانگر دولت اسلامی مطلوب است. چنانچه دولت بتواند این شاخص‌ها را محقق سازد، دولت اسلامی مطلوب شکل می‌گیرد و زمینه شکل‌گیری جامعه اسلامی را فراهم می‌سازد.^۵
- در واقع با کنار هم قرار دادن این شاخص‌ها، جهت‌گیری و چارچوب نظری و مبنایی دولت اسلامی مطلوب شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر، تبیین شاخص‌های دولت اسلامی به تنهایی برای ایجاد جامعه اسلامی و زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی کفایت نمی‌کند. آیه‌الله خامنه‌ای علاوه بر

تشریح شاخص‌ها، وظایف دولت اسلامی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را نیز تشریح کرده‌اند.

ویژگی‌ها و خصوصیات دولت اسلامی در اندیشه حضرت آیه‌الله خامنه‌ای

از مجموعه بیانات حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) روشن است که نظام اسلامی، بینات، واضحات و امر و نهی‌هایی دارد.^۶ همچنین اساس حکومت اسلامی به‌عنوان یک حرف نو در دنیا مطرح شد^۷ و همچنین نظام برآمده از انقلاب، از شرق و غرب الگو نگرفته بود.^۸ با توجه به این بیانات، می‌توان ویژگی‌های ایجابی و سلبی را برای دولت اسلامی متصور شد که موجب وجه تمایزش با دولت‌های غیر الهی است که شرح هر کدام در ذیل خواهد آمد.

در مجموع می‌توان گفت: دولت اسلامی به مفهوم عام آن، ویژگی‌هایی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. اصل اساسی در دولت اسلامی مردم می‌باشند (خلافت عمومی).
۲. ماهیت حکومت اسلامی، خیرخواهی و عشق به مردم است (اعراف(۷): ۶۸).
۳. هدف نهایی دولت اسلامی، توسعه معرفت‌الله است. اهداف متوسط (میانی) این دولت عبارتند از: امنیت، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی، ایجاد روح اعتماد به نفس و خودباوری، آزادی و مشارکت مردمی و استقلال و نفی هر نوع وابستگی به بیگانه.
۴. معیار دخالت دولت در امور کشور، مصالح مردم، کشور و اسلام است. تشخیص نهایی مصالح، بعد از مشاوره با کارشناسان بر عهده ولی فقیه است (جهانیان، ۱۳۸۰، ش ۳، ص ۷۲).

هدف‌های دولت اسلامی در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای

دولت اسلامی به عنوان مرحله سوم از فرآیند پنج مرحله‌ای تحقق کامل انقلاب اسلامی دارای اهداف گسترده‌ای است که می‌توان آنها را به نوعی همان اهداف انقلاب اسلامی دانست که بسیاری از آنها خاستگاه اولیه انقلاب بودند که با استمرار آن و فراهم شدن شرایط، امکان بسط و تبیین این اهداف بوجود آمد. در دیدگاه

آیه الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) یکی از این اهداف اصلی ایجاد جامعه عادلانه است.^۹ البته ایشان در جای دیگری عدل را جزء اهداف میانی برشمرده‌اند و می‌فرمایند: «قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰). در واقع با وجود عدل در جامعه، بستر رستگاری انسانها فراهم می‌شود. ایشان از هدف رستگاری انسانها تعبیر به حیات طیبه می‌کنند که ریشه قرآنی نیز دارد و به صراحت حیات طیبه را ثمره و هدف نهایی انقلاب بیان و آن را اینگونه تعریف می‌کنند که یک ملت، هم از نظر مادی و زندگی روزمره برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند.^{۱۰}

هدف اصلی دیگری که با تشکیل دولت اسلامی محقق خواهد شد، جامعه اسلامی است که از طرفی می‌توان آن را گام چهارم از فرآیند انقلاب اسلامی نیز بیان کرد. در چنین جامعه‌ای آرمانها و اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، محقق خواهد شد. جامعه برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه و جامعه‌ای بدون سکون، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ حاصل تشکیل دولت اسلامی است.^{۱۱} ایشان در جای دیگری رسیدن به پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی در نظر گرفته‌اند که از نظر ایشان باید به پیشرفت در هر دو بخش ابزاری و متنی و اصلی آن رسید.^{۱۲} با توجه به اهمیت این هدف، در قالب نقش دولت اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی بطور مجزا به آن پرداخته خواهد شد.

همچنین هدف بزرگ ملت ایران که پس از انقلاب، همواره به دنبال آن بوده است را عبارت از سربلندی ایران اسلامی و الگوشدن در میان ملت‌های مسلمان؛ هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی بیان می‌کنند و عقیده دارند که توانایی‌های لازم برای رسیدن به این اهداف را داریم.^{۱۳} در واقع باید گفت تحقق این امور، بدون داشتن دولتی که از دل انقلاب و اسلام جوشیده باشد، میسر نیست و ضرورت ایجاد دولت اسلامی بیش از پیش نمایان می‌شود. از طرفی باید توجه داشت که از نظر ایشان تحقق این اهداف، تدریجی است:

باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد و قدم به قدم پیش رفت. نظام اسلامی، یک نظام پیش‌ساخته؛ مثل خانه‌های پیش‌ساخته نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد (همان، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲).

ساختار و ارکان دولت اسلامی

منظور از ساختار دولت اسلامی، نهادها و قوای اصلی تشکیل‌دهنده دولت اسلامی هستند که طبیعتاً متشکل از دستگاه‌های وابسته و اجرایی متعدد است. به اختصار تنها به کلیات این بحث اشاره می‌شود.

ولایت فقیه و نهادهای وابسته

در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)، رهبر جامعه اسلامی در بالاترین جایگاه مسؤولیتی بوده و وظیفه خطیری را بر عهده دارد. رهبری جامعه اسلامی در زمان غیبت امام معصوم 7 بر عهده ولی فقیه گذاشته شده که در جمهوری اسلامی نمود عینی و قانونی یافته است. در دیدگاه مقام معظم رهبری، امام بزرگوار از متن فقه سیاسی اسلام و از متن دین، نقش و جایگاه ولایت فقیه را فهمید و استنباط کرد؛ همچنانکه فقهای شیعه در طول تاریخ آن را شناخته و به آن اذعان کردند؛ اگرچه برای تحقق آن فرصت پیدا نکردند.

ایشان اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهومی که از ولایت فقیه بیان می‌کنند، این است که ولایت فقیه جایگاه مهندسی و حفظ جهت نظام اسلامی را دارد و باید از انحراف آن به چپ و راست جلوگیری کرد. طبق این دلالت مفهومی، ولایت فقیه از طرفی یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احیاناً نصیحت‌کننده نیست و از طرفی نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت ندارد. زیرا کشور، مسؤولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد که همه باید پاسخگوی مسؤولیت‌های خود باشند. نقش ولایت فقیه این است که از حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، پاسداری و دیده‌بانی کند.^{۱۴}

حاکم اسلامی؛ یعنی امام و ولی فقیه می‌تواند اختیاراتی را که متعلق به خود است، به قوای دیگری همچون قوه مجریه، قوه قضائیه یا به دیگر عناصر و افراد جامعه

اسلامی، اعطا کند و دولت اسلامی و دستگاه اجرایی اسلامی به اتکای اختیارات امام می‌تواند در جامعه اسلامی اعمال قدرت بکند.^{۱۵} طبق اصل نود و یکم قانون اساسی، انتخاب شش نفر از فقهای شورای نگهبان بر عهده ولی فقیه است و طبق اصل صد و پنجاه و هفت، یک نفر مجتهد عادل را بمنظور انجام مسؤولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی انتخاب می‌کند و همچنین در اصل ۱۷۵ نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بر عهده مقام رهبری گذاشته شده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

قوه مجریه

قوه مجریه که در عرف سیاسی ایران معمولاً دولت نیز خوانده می‌شود، جایگاه مهمی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد. در واقع یکی از ارکان اصلی در تشکیل دولت اسلامی، قوه مجریه‌ای در اندازه و قواره آن است. به این دلیل باید مورد اهتمام قرار گیرد. همانطور که از نام آن برمی‌آید، این رکن، عمدتاً امور اجرایی کشور را برعهده دارد. همچنانکه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «در نظام جمهوری اسلامی، ریاست جمهوری شأن مهمی است. بازوی اجرایی نظام، دولت و رئیس جمهور است» (همان، ۱۳۸۰/۳/۱۸) و رئیس جمهور را یکی از مؤثرترین و در دستگاه اجرایی مؤثرترین عنصر در حل مسائل کشور می‌دانند.^{۱۶}

همانطور که در کارکردهای دولت اسلامی آمد، استقرار عدالت از مهمترین و مؤکدترین این کارکردها بوده است. با توجه به این مهم، می‌توان به جایگاه قوه مجریه پی برد؛ زیرا ایشان دستگاه اجرایی اسلامی را یکی از اهرم‌های استقرار عدالت بیان می‌کنند و عقیده دارند که قوه اجرایی با اعمال نفوذ و قدرتی که داراست، باید مظهر حاکمیت اسلامی باشد؛ به این معنا که در محدوده قوانین و اصول اسلامی در جامعه حضور دائمی داشته باشد و علاوه بر دیدن و شناخت تخلفات، از آنها جلوگیری کند و همچنین مانع بغی و طغیان و تعدی شود. ایشان دولت اسلامی را دارای توان اعمال قدرت می‌دانند که باعث می‌شود قانون به راحتی زیر پا گذاشته نشود و دولت اسلامی با

اعمال قدرت و حضور دائمی و رابطه مستمر با قشرهای مردم، مانع از تخلفات آنها شود. ایشان این وظیفه دولت اسلامی را با توجه به حکم حضرت امام خمینی 1 به‌عنوان ولی فقیه در واگذاری مسأله تعزیرات حکومتی به دولت و همچنین سیره امیرالمؤمنین 7 در بازارهای «کوفه» از باب حاکمیت آن حضرت واضح و روشن می‌دانند.^{۱۷}

ایشان خاطرنشان می‌کنند که نباید دولت - قوه مجریه - جدای از نظام دیده شود، بلکه دولت را فعال اصلی در صحنه کشور معرفی می‌کنند که هر گونه موفقیت آن، موفقیت نظام اسلامی است.^{۱۸} همچنین دولت را برخاسته از نظام می‌دانند؛ به این معنا که هر کاری دولت انجام دهد؛ چه خوب و یا بد متعلق به نظام است.^{۱۹}

قوه مقننه

قوه مقننه یا همان مجلس شورای اسلامی، به عنوان یکی از قوای مهم در کشور است که با قانونگذاری و نظارت بر اجرای صحیح قانون می‌تواند نقش ویژه‌ای در دولت اسلامی داشته باشد. مجلس زنده که به وقت، به هنگام و درست قانون بگذارد و در مسائل کشور نظارت کند،^{۲۰} از مطالبات مقام معظم رهبری است. ایشان بارها بر جایگاه ویژه قوه مقننه تأکید کرده‌اند و آن را یک رکن اساسی در کشور می‌دانند. در واقع قوه مقننه را تبلور و انعکاس همه برجستگی‌ها و شاخص‌های نظام اسلامی معرفی کرده^{۲۱} و از آن به خانه ملت و تجلی‌گاه عزت ملی تعبیر کرده‌اند که می‌تواند تأمین‌کننده منافع عمومی و نشان‌دهنده عزت اسلامی و عزت ملی ما در دنیا باشد و از آنجا که مسئولان با قوانین تصویب‌شده در مجلس می‌توانند حرکت کنند و پیش بروند، جایگاه بسیار مهم آن روشن‌تر می‌شود.^{۲۲} همچنین می‌فرمایند:

جایگاه مجلس، جایگاهی است، بسیار عالی؛ انعکاس نظرات و اراده ملت در قوانین و مقررات کشور و رگه‌های اجرایی کشور است؛ این چیز کمی نیست. مجلس بحمدالله در نظام جمهوری اسلامی، تا حدود زیادی معنای واقعی خودش را پیدا کرد. مجلس، جای افرادی از بطن توده‌های انقلابی

مردم است؛ آدم‌هایی علاقه‌مند و دلسوز - البته بطور اکثر - و مجلس شورای اسلامی، قاعده نظام است (همان، ۱۳۷۰/۹/۲۷).

ایشان خاطر نشان می‌کنند که مجلس باید در تراز انقلاب باشد؛ به این معنا که در همه حال منادی شعارهای اصولی انقلاب باشد و همچنین از راه و خطی که امام خمینی ^۱ ترسیم کردند، پاسداری کند. ^{۲۳} همچنین «ایمان، شجاعت، پیشگامی، ایستادگی بر مبانی نظام، ایستادگی در برابر دشمنان، روزآمدی و نوآوری، وحدت و انسجام ملی، کار و تلاش فداکارانه، به میدان آوردن همه ظرفیت‌های فردی و جمعی» (همان، ۱۳۹۱/۳/۷) را نشانه‌های یک مجلس موفق بیان می‌کنند.

از طرفی مجلس شورای اسلامی به دلیل وجود نمایندگان از همه گروه‌ها، قومیت‌ها، اقلیت‌های دینی، سلاقی و عقاید گوناگون در آن، مظهر وحدت ملی و یکپارچگی است ^{۲۴} و از طرف دیگر، با همکاری حقیقی و صمیمی با قوای دیگر و پرهیز از چالش‌های ناموجه باید سهم تعیین‌کننده‌ای در اتحاد ملی داشته باشد. ^{۲۵}

قوه قضائیه

سومین رکن نظام اسلامی در قالب جمهوری اسلامی، قوه قضائیه است؛ در واقع: «تمامیت نظام جز به تمامیت و کمال قوه قضائیه تحقق پیدا نخواهد کرد» (همان، ۱۳۸۱/۴/۵). از نظر مقام معظم رهبری، سازوکار قوه قضائیه در مقام یک رکن اساسی کشور در قانون اساسی پیش‌بینی شده که از جهات مختلف نیز متقن و اطمینان‌بخش است. به عنوان نمونه تعیین وظایف و تکالیف محول‌شده به این قوه در قانون اساسی، تضمین‌کننده این معناست که دستگاه قضا بتواند به وظیفه خود عمل کند که یک جهاد فی سبیل الله است. ^{۲۶} ایشان اجرای حدود الهی و استقرار عدالت را مهمترین وظایف قوه قضائیه ^{۲۷} و برای تحقق این اهداف متعالی، نظام قضایی اسلام را کارآمدترین وسیله بیان می‌کنند. ^{۲۸} دستگاه قضایی اسلام را یکی از کارآمدترین دستگاه‌ها نام می‌برند که برای مواد قضایی یا قوانین لازم خود، خودکفاست؛ به این معنا که نیازی ندارد برای چنین اموری از دیگر نظام‌ها یا کشور و تمدن دیگری وام بگیرد و قوانین



آنها را شبیه‌سازی کند؛ زیرا در اسلام همه چیز پیش‌بینی شده است و تأکید می‌کنند که قوانین باید طبق مقررات اسلامی تنظیم و آماده شود و با جرم به هر شکلی مقابله گردد.^{۲۹} ایشان شأن قوه قضائیه را این می‌دانند که اگر به کسی در هر گوشه از کشور اسلامی ظلم شد، امیدوار باشد که با مراجعه به دستگاه قضایی احقاق حق می‌شود. در نگاه معظم له این نقطه مطلوب قضای اسلامی است که باید تحقق یابد.^{۳۰}

وظایف و کارکردهای دولت اسلامی

مقام معظم رهبری برای دولت کارکردهای تربیتی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قائل هستند. وظایف تربیتی مورد نظر ایشان تربیت معنوی است و کارکرد تربیتی دولت می‌تواند زمینه‌ساز تحقق سایر اهداف دولت اسلامی باشد. کارکرد اقتصادی نیز در دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) از امور واجب است که دولت اسلامی باید آنها را برآورده کند. اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبرد اساسی مطرح و حمایت از تولید ملی و کاهش وابستگی به نفت از بخش‌های مهم در اندیشه ایشان است. وظایف فرهنگی دولت اسلامی را بسترسازی فرهنگی و ارتقای فرهنگ کشور می‌دانند و تأکید بر استقلال فرهنگی دارند. وظایف سیاسی دولت را اینگونه بیان می‌کنند که در حوزه سیاست خارجی مبنای دولت اسلامی بر شدت عمل با کافران و رحمت و مودت با کشورهای اسلامی است. در کارکرد امنیتی ایشان بر حصول امنیت در همه ابعاد سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی باور دارند و قوه قضائیه را در این امر موظف می‌دانند. در ادامه به توضیح کامل این وظایف می‌پردازیم.

کارکرد تربیتی

از بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) درمی‌یابیم که حکومت‌ها و در ذیل آن، دولت اسلامی نباید نسبت به تربیت معنوی افراد تحت حاکمیت‌شان بی‌تفاوت باشند. در نگاه ایشان؛ همانطور که در یک خانواده پدر و مادر نمی‌توانند نسبت به تربیت فرزندان بی‌تفاوت باشند و در این زمینه مسؤولیت‌هایی دارند، حکومت هم در جامعه، در زمینه اخلاق و معنویت مردم و رشد فضیلت‌های اخلاقی آنها مسؤولیت‌هایی دارد^{۳۱}

و در جایی دیگر، وظیفه مسئولین را منحصر در وظایف اقتصادی و سیاسی نمی‌دانند و مدیران کشور را در قبال معنویات مردم مسئول دانسته که نمی‌توانند خود را از آن برکنار بدانند و حتی مسئولان را در قبال عقب‌گرد روحی و اخلاقی جامعه موظف می‌دانند و این وظیفه بر دوش مسئولان در همه رده‌ها از بالا تا پایین است.^{۳۲} همچنین مسئولان را به برنامه‌ریزی برای رشد اخلاقیات جوانان رهنمون می‌کنند و می‌فرمایند:

من به مسئولان عرض می‌کنم، به جوانان ما مناعت طبع و عفت اخلاقی و اطمینان به نفس و اعتماد به خود و صداقت و شجاعت بیاموزید؛ در آنها اراده پولادین و انضباط اجتماعی و وجدان کاری بوجود آورید؛ بعد هم برایشان برنامه‌ریزی کنید. این کارها شدنی است و این آینده محقق خواهد شد (همان، ۱۳۸۰/۲/۱۲).

ایشان در جایی دیگر، وظیفه تربیتی دولت اسلامی در قالب نظام جمهوری اسلامی را مورد تأکید قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «خط صحیح جمهوری اسلامی، اداره و هدایت صحیح مردم، به‌رشد رساندن و به تکامل الهی رساندن مردم است» (همان، ۱۳۷۰/۸/۲۷) که بر اساس نظر ایشان، این امر به دلیل بنیانگذاری انقلاب بر این پایه است. «اساس انقلاب اسلامی هم بر انسان‌سازی است و انسان‌سازی در مرتبه اول، تعمیر دل و آبادکردن جان است» (همان، ۱۳۷۰/۱۰/۱۹).

در نگاه ایشان پرداختن به مسائل تربیتی از اهداف حکومت اسلامی است و در بستر اخلاق می‌توان به موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی امیدوار بود.

کارکرد اقتصادی

در دیدگاه آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) وظایف اقتصادی دولت و پرداختن به امور اقتصادی مردم از اوجب واجبات حکومت‌هاست که باید مورد اهتمام قرار گیرد.^{۳۳} از نظر ایشان مردم در اقتصاد جامعه اسلامی آزادی‌های زیادی دارند؛ بطوری که میدان باز و وسیعی در اختیار آنهاست که حق دارند فعالیت و تلاش اقتصادی کنند و از طرفی برای جلوگیری از طغیان و فساد در جامعه، اختیار و حق کنترل و نظارت را برای

دولت و حاکم اسلامی قائل هستند؛ تا جایی که وجود قانون اسلامی را بدون نظارت دولت اسلامی فاقد اثر می‌دانند:

اگر نظارت دولت اسلامی و حاکمیت اسلام نباشد، قانون اسلامی به خودی خود، نمی‌تواند معجزه بکند. قانون هنگامی کاربرد دارد و مؤثر است که بالای سر قانون، یک دست قوی و نیرومندی باشد و آن دولت اسلامی است (همان، ۱۳۶۶/۱۰/۱۱).

آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) در همه موارد نظام اسلامی معتقد به پیروی از اصول امام خمینی ۱ هستند. اقتصاد نیز یکی از این موارد است که از نظر ایشان باید اصول اقتصادی مد نظر امام استخراج و عملیاتی شوند. برخی از اصولی که معظم له در فرمایشات امام واضح می‌دانند، می‌توان استقلال در اقتصاد ملی، تکیه به خودکفایی، عدالت اقتصادی در تولید و توزیع، دفاع از طبقات محروم، مقابله با فرهنگ ظالمانه سرمایه‌داری و احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار، هضم‌نشدن در اقتصاد جهانی را برشمرد.^{۳۴}

در راستای همین اصول، دولت را به گره‌گشایی از معیشت مردم ملزم می‌کنند: «مسئولان دولتی و بخش‌های مختلف باید برای ایجاد اشتغال و مبارزه با فساد و بازکردن گره‌های امور معیشت مردم و رونق‌دادن به اقتصاد کشور، حقیقتاً کار و تلاش کنند» (همان، ۱۳۸۱/۲/۱۱). همچنین ریشه‌کن کردن فقر در جامعه را وظیفه نظام اسلامی می‌دانند.^{۳۵} ایشان در حل مشکل اشتغال، کار جهادی را مطرح می‌کنند و جهت حل مشکلات اقتصادی و روشن‌شدن اهمیت آن، کاری همچون اتاق جنگ دوران دفاع مقدس را طلب می‌کنند؛ بطوری که مسئولان امر در حل این مشکل، شب و روز کار کنند و مرتب مشغول باشند تا از ظرفیت کشور و نیروی جوان در این راستا بهره ببرند.^{۳۶} در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت مسائل اقتصادی و چالش‌هایی که جمهوری اسلامی با آنها روبرو بوده است، رهبر معظم انقلاب بر اقتصاد مقاومتی به عنوان یک تکلیف تأکید کرده‌اند.^{۳۷} ایشان تولید ملی را حلقه اساسی پیشرفت اقتصاد بیان می‌کنند و بخش عمده آن را بر عهده دولت اسلامی می‌دانند. همچنین جهت رونق تولید ملی

کشور، توصیه می‌کنند که حمایت‌های قانونی، قضایی و حمایت‌های اجرایی باید از سوی مسئولان امر صورت گیرد.^{۳۸} در زمینه حمایت از تولید ملی، وظیفه مسئولین را مضاعف می‌دانند؛ چنانکه که می‌فرمایند:

من اصرار می‌کنم، از همه ملت ایران درخواست می‌کنم، بروید به سمت مصرف تولیدات داخلی؛ این یک کار بزرگ است. البته دستگاه‌های حکومتی و دولتی - دولتی به معنای عام - در این جهت وظیفه مضاعف دارند. فلان وزارتخانه، فلان سازمان، فلان اداره، وقتی می‌خواهد جنس داخلی خودش را تأمین کند، مطلقاً باید از جنس خارجی استفاده نکند؛ بروند سراغ تولیدات داخلی (همان، ۱۳۹۲/۲/۷).

ایشان در مسائل کشور از جمله مسائل اقتصادی، نگاه به ظرفیت‌های درونی کشور دارند و تأکید می‌کنند این باعث گشایش در مشکلات کشور خواهد شد و دلیل این امر را ظرفیت‌های بالای کشور می‌دانند که باید مورد استفاده قرار گیرد از جمله ظرفیت‌های این ملت، به امکانات انسانی، امکانات طبیعی، امکانات جغرافیایی و موقعیت منطقه‌ای اشاره می‌کنند.^{۳۹}

ایشان کاهش وابستگی به نفت را از دیگر الزامات اقتصاد مقاومتی می‌دانند و توصیه می‌کنند که مسئولان باید همت کرده و این وابستگی را که میراث شوم صد ساله ماست، کم کنند و در این زمینه از فرصت‌های موجود بهره ببرند. ایشان جایگزینی فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگر همچون صنایع دانش‌بنیان را پیشنهاد می‌کنند.^{۴۰} از دیگر وظایف اقتصادی مهم دولت اسلامی مورد نظر آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) مبارزه با فساد اقتصادی است که در موارد متعددی آن را گوشزد کرده‌اند: «بدانید مبارزه با فساد، یک مبارزه جدی و واقعی است. مفسدین تهاجم خواهند کرد و فشار خواهند آورد، لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد» (همان، ۱۳۸۰/۵/۱۱).

همچنین در دیدگاه ایشان مردم و توجه به بخش خصوصی جایگاه ویژه‌ای دارد. در این زمینه جدی گرفتن معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور به بخش خصوصی

بمنظور جلوگیری از استفاده‌های ویژه‌خوارانه را متذکر شده‌اند. همچنین بیان می‌کنند که اطلاعات باید عمومی بشود و شفاف‌سازی اطلاعات صورت بگیرد.^{۴۱} انضباط اقتصادی نیز که خود باعث رونق اقتصادی خواهد شد، مورد توجه مقام معظم رهبری است. ایشان خواستار ثبات در مقررات اقتصادی هستند تا مردم بتوانند روی آن برنامه‌ریزی کنند و از طرفی در نگاه ایشان قوانین باید منسجم باشند و باهم بخوانند و شفاف باشند.^{۴۲}

کارکرد فرهنگی

در اندیشه مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) دولت اسلامی علاوه بر وظایف فوق‌الذکر، وظایف فرهنگی را نیز برعهده دارد. ایشان می‌فرمایند: «آیا ما به عنوان دولت اسلامی می‌توانیم هدایت فرهنگی جامعه خودمان را رها کنیم؟ قطعاً نه، جزو وظایف ماست» (همان، ۱۳۸۸/۶/۱۶). ایشان هدایت جامعه را محدود به ریاست مادی محض نمی‌دانند و عقیده به هدایت فرهنگی مردم دارند و در این راستا صدا و سیما، وزارت ارشاد، وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش را دستگاه‌های خدماتی هدایتی حکومت می‌نامند که باید از ابزارهای هدایت بهره بگیرند تا مردم متدین بار بیایند، متدین عمل بکنند، به مبانی دینی معتقد بشوند و عملاً پایبند بشوند.^{۴۳} در واقع وظیفه دولت در این امر بسترسازی لازم برای سریان و جریان اندیشه درست و اخلاق فاضله در کشور است.^{۴۴} همچنین مسئولان کشور را به جریان عمومی فرهنگ جامعه و آینده جامعه توجه می‌دهند و توصیه می‌کنند که جلوی موانع و عناصر مخرب را بگیرند.^{۴۵} ایشان در جای دیگری درباره وظیفه سنگین مسئولان در امور فرهنگی می‌فرمایند:

مسئله فرهنگ و اخلاق خیلی مهم است. نظام اسلامی نمی‌تواند نسبت به فرهنگ و اخلاق مردم خود بی‌تفاوت باشد. ... نظام اسلامی نمی‌تواند نسبت به رنج‌های معنوی، جسمانی و گمراهی‌های فکر و دل مردم خود بی‌اعتنا باشد. این نظام وظیفه سنگینی بر عهده دارد. دستگاه‌های ما، بخصوص دستگاه‌های فرهنگی، وظیفه سنگین‌تری دارند (همان، ۱۳۸۱/۱۲/۶).

در جایی دیگر می‌فرمایند: «دولت اسلامی موظف است که جامعه را با فرهنگ بالاتر و معلومات عمیق‌تر و آگاهی‌های همگانی مجهز کند و بدین وسیله جلو نفوذ فرهنگ بیگانه را بگیرد» (همان، ۱۳۶۵/۹/۱۴). یکی از ابعادی که دولت اسلامی در بخش فرهنگی باید انجام دهد، درست عمل کردن در صحنه کارزار فکری است که عملکرد دولت در این زمینه مورد نقد ایشان نیز بوده است.^{۴۶} همچنین بازکردن بندهای اختاپوس فرهنگی تحمیل‌شده بوسیله غرب از دست و پای جامعه جزء اصول مطرح‌شده در دولت اسلامی است.^{۴۷}

همچنین در منویات معظم له توجه به نماز به عنوان یک مسأله فرهنگی مشهود است که باید با تلاش‌های فرهنگی، هنری و برنامه‌ریزی‌های آموزشی با کیفیت مطلوب، روز بروز در میان مردم بویژه جوانان و نوجوانان رونق بگیرد. ایشان در این زمینه دستگاه‌های متعدد امور فرهنگی، آموزشی، صدا و سیما و دست‌اندرکاران اداره مساجد را بیش از دیگران مسؤول می‌دانند.^{۴۸}

کارکرد سیاسی

از اصولی که مقام معظم رهبری به آن پایبند هستند و منشأ آن را در تفکر و مشی امام خمینی 1 می‌دانند، اصل «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح (۴۸): ۲۹) است. در واقع این اصل، برگرفته از قرآن و سنت نبوی است و از آنجا که دولت اسلامی ریشه در شریعت دارد، باید آن را جامه عمل بپوشاند. طبق این اصل، دولت اسلامی با دشمنان و استکبار سر‌آشتی نداشته و با برادران مسلمان بنای بر دشمنی و عداوت ندارد، بلکه بنای بر دوستی و رفاقت و برادری دارد.^{۴۹}

اصل دیگری که از دل همین اصل استخراج می‌شود، این است که در سیاست خارجی دولت اسلامی دفاع از مظلوم صرف نظر از دین و آیین او صورت می‌گیرد. ایشان مصادیق این امر را دفاع از جبهه مقاومت شیعه در لبنان و همچنین حمایت از مقاومت فلسطینیان سنی بیان می‌کنند که در حال حاضر جمهوری اسلامی به آن پایبند است.^{۵۰} در دفاع از فلسطین خاطر نشان می‌کنند: «حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه

با صهیونیسم و حامیانش از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران است» (همان، ۱۳۸۰/۲/۴). به نظر ایشان مبارزه با سلطه یکی از وظایف دولت اسلامی است و مبارزه‌اش را با عقل، با کار حرفه‌ای سیاسی و با شجاعت در میدان‌های لازم و متناسب خودش امکان‌پذیر می‌شود.^{۵۱} البته در تعاملات بین‌المللی و در زمینه دیپلماسی به «کارآمدی، تحرک بی‌وقفه، جهت‌دار بودن و حضور فعال در معاهدات و مجموعه‌ها و هسته‌های منطقه‌ای و جهانی»^{۵۲} معتقد هستند.

کارکرد امنیتی

امنیت در همه حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی از نیازهای اساسی است؛ زیرا وجود آن باعث استحکام و استمرار جامعه می‌شود. در دیدگاه مقام معظم رهبری برقراری امنیت در همه ابعاد آن بر عهده دولت اسلامی است؛ چنانکه که می‌فرمایند: «امنیت اخلاقی، امنیت اجتماعی جزو وظایف ما است؛ جزو وظایف جمهوری اسلامی است، نمی‌توانیم اینها را رها کنیم» (همان، ۱۳۹۴/۲/۶). اگرچه میزان امنیت امری نسبی است، لیکن طبق نظر ایشان، مردم باید امنیت جان، مال، فرزندان، ناموس و امنیت در فکر، عقیده، سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی‌شان را احساس کنند.^{۵۳}

از نظر معظم له؛ اگرچه در تأمین همه وجوه امنیت از قبیل امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت اخلاقی و امنیت حیثیتی، دستگاه‌های گوناگون اجرایی با قوه قضائیه شریکند، لیکن یک پایه مهم این امر خطیر، بر دوش قوه قضائیه است. به عنوان نمونه در دیدگاه ایشان؛ اگرچه در تأمین امنیت اجتماعی، دستگاه‌های انتظامی با قوه قضائیه شریکند، اما از سوی قوه قضائیه با کسی که متجاوز است، باید آنچه‌آنچه برخورد شود که مایه عبرت گردد. همچنین درست است که دستگاه‌های اجرایی همچون وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاه‌های پولی و بانکی موظف به استقرار امنیت اقتصادی‌اند، اما قوه قضائیه باید با مفسدان اقتصادی که در مجموعه تعاملات این دستگاه‌ها با مردم بوجود می‌آیند، به شدت برخورد کند. این، خود می‌تواند یک عامل مهم در ایجاد امنیت اقتصادی باشد.^{۵۴}

کارکرد اجتماعی

از آنجا که وظایف اجتماعی، گستره وسیعی دارد و مباحث فراوانی را در بر می‌گیرد، در این قسمت وظایف اجتماعی دولت اسلامی از نظر آیه‌الله خامنه‌ای بصورت زیر آورده شده است:

۱. گسترش علم و دانایی.^{۵۵}
۲. تشریح ایمان اسلامی و روشن کردن جاذبه‌های ایمانی برای مردم.^{۵۶}
۳. گسترش آزاداندیشی.^{۵۷}
۴. رسیدگی به امور بازنشستگان.^{۵۸}
۵. مسأله عدالت اجتماعی، طرفداری از محرومان و دوری از خوی اشرافی‌گری و خوی تجمل‌گرایی و عمل در این جهت.^{۵۹}
۶. ترویج ورزش همگانی.^{۶۰}
۷. صرفه‌جویی و جلوگیری از اسراف در سطح ملی و پرهیز جدی از مصرف بی‌رویه در همه سازمان‌ها؛ مانند انجام سفرهای بیهوده و تجمعات اداره‌ها.^{۶۱} همچنین پرهیز از هزینه‌کردن اعتبارات و پول‌های کشور در جاهای غیر لازم و تشریفات.^{۶۲}
۸. سوق‌دادن مردم به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه لازم مصرف‌کردن و اجتناب از دعوت به زیاده‌روی و اسراف.^{۶۳}
۹. توجه جدی به مسأله آب و هوا، نگاه به مسأله غبار، نگاه به مسأله دود، نگاه به مسأله هوای سالم، نگاه به مسأله آب سالم، نگاه به محیط زیست سالم، نگاه به مسأله جنگل‌ها و گنجاندن آنها در متن برنامه‌ها.^{۶۴}
۱۰. جلوگیری از توسعه دایره غصب و تصرف نابجا و غلط منابع طبیعی و همچنین مجازات و قطع ید متصرفین.^{۶۵}

نتیجه‌گیری

دولت اسلامی در دیدگاه آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)، به معنای مجموعه کارگزاران، قوا و نهادهایی است که در اداره کشور نقش دارند. مسأله مهم از نظر ایشان،

جهت‌گیری دولت اسلامی است که باید همه ارکان آن در جهت اسلام و در راستای اهداف انقلاب اسلامی باشند. با توجه الگوی نبوی و علوی که در پیش روی تشکیل دولت اسلامی است، ایشان ویژگی‌هایی را برای دولت اسلامی برمی‌شمارند و همچنین وظایف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و تربیتی برای آن ذکر می‌کنند که دولت اسلامی باید از عهده آنها برآید؛ در غیر این صورت با چالش جدی روبرو خواهد شد. حکومت حضرت علی 7 الگوی کارگزاران در تفکر و عمل است. از ارکان مهمی که از نظر معظم له جایگاه ویژه‌ای در تحقق و استمرار دولت اسلامی دارند، مردم هستند. زیرا ایشان مردم را برکنار از تصمیم‌گیری‌ها ندانسته و نقش مهمی را برای آنها قائل هستند.

مسأله مهم در منظومه فکری مقام معظم رهبری این است که دولت اسلامی خود یک غایت نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر است. ایشان دولت اسلامی را گام سوم از مراحل پنجگانه رسیدن به تمدن نوین اسلامی بیان می‌کنند که در این حالت، انقلاب اسلامی مراحل تکامل خود را طی خواهد کرد و به اهداف متعالیه خود خواهد رسید. در واقع با تشکیل دولت اسلامی مد نظر ایشان، فضا و بستر عادلانه‌ای جهت رشد انسانها و رسیدنشان به کمال مهیا می‌شود. چنین دولتی که به وظایف خود واقف است و آنها را انجام می‌دهد، می‌تواند الگوی دیگران نیز قرار گیرد. این امور می‌توانند زمینه‌ساز تشکیل دولت عدالت‌گستر مهدوی باشند و انقلاب اسلامی را به غایت خود برسانند.

یادداشت‌ها

۱. خطبه‌های حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۱.
۲. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت در تاریخ ۱۳۸۰/۶/۵.
۳. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۶.
۴. همان.

۵. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار دانشجویان کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۴.
۶. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار جمعی از بسیجیان در تاریخ ۱۳۷۸/۶/۱۰.
۷. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار اعضای هیأت علمی کنگره امام خمینی ؛ در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۴.
۸. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۳.
۹. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار با مردم شهرستان رفسنجان در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار با مردم ساری در تاریخ ۱۳۷۴/۷/۲۲.
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار با دانشجویان کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۴.
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۷ در تاریخ ۱۳۸۶/۱/۱.
۱۴. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ؛ در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۴.
۱۵. سخنان مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۱.
۱۶. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار با مردم کرمان در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۱.
۱۷. سخنان مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۱.
۱۸. پیام مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) به گردهمایی دفتر تحکیم وحدت در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۲۷.
۱۹. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۴.
۲۰. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار با نمایندگان مجلس نهم در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۴.
۲۱. پیام مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) به مناسبت آغاز بکار نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۷.
۲۲. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) در دیدار با مردم قزوین در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۵.
۲۳. پیام مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) به مناسبت آغاز بکار چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۱/۳/۷.
۲۴. پیام مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) به مناسبت آغاز بکار پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۱۱.

۲۵. پیام مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به مناسبت آغاز بکار نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۷.
۲۶. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با مسؤولان دستگاه قضایی در تاریخ ۱۳۸۰/۴/۷.
۲۷. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با مسؤولان دستگاه قضایی در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۳.
۲۸. انتصاب آیه الله حاج سید محمود هاشمی شاهرودی به ریاست قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۳.
۲۹. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با مسؤولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدای هفتم تیر در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۷.
۳۰. همان.
۳۱. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با مسؤولان سازمان صدا و سیما در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.
۳۲. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۴.
۳۳. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸.
۳۴. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی ; در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱۴.
۳۵. سخنان مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در خطبه‌های نماز عید فطر در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۱۵.
۳۶. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در پادگان دوکوهه در تاریخ ۱۳۸۱/۱/۹.
۳۷. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور با ایشان، در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۹.
۳۸. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در حرم مطهر رضوی 7 در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱.
۳۹. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۲.
۴۰. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۳.
۴۱. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با فعالان بخش‌های اقتصادی کشور در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۶.
۴۲. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۹.
۴۳. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با اعضای هیأت دولت در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۱۶.
۴۴. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۹.

۴۵. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ
۱۳۹۲/۹/۱۹.
۴۶. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در تاریخ
۱۳۸۴/۶/۸.
۴۷. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی
در تاریخ ۱۳۸۵/۰۳/۲۹.
۴۸. پیام مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به بیست و یکمین اجلاس سراسری نماز، در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۱۵.
۴۹. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت : و اتحادیه
راديو و تلویزیون‌های اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۶.
۵۰. همان.
۵۱. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در تاریخ
۱۳۸۴/۶/۸.
۵۲. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۱۵.
۵۳. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸.
۵۴. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با خانواده شهدای هفتم تیر و مسؤولان قوه
قضائیه در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۷.
۵۵. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در تاریخ
۱۳۸۴/۶/۸.
۵۶. سخنان مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۵.
۵۷. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در تاریخ
۱۳۸۴/۶/۸.
۵۸. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی در تاریخ
۱۳۷۶/۴/۲۵.
۵۹. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام
خمینی ؛ در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۴.
۶۰. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پارا
آسیایی در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱.

۶۱. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا 7 در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱.
۶۲. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با جمعی از کارگران و معلمان در تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱۱.
۶۳. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در خطبه‌های نماز عید فطر در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۱۵.
۶۴. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در بوستان ولایت، به مناسبت روز درختکاری در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷.
۶۵. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در مراسم کاشت نهال در هفته منابع طبیعی در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۸.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید، چ ۲۱، ۱۳۹۱.
۴. بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران: نشر نگاه معاصر، چ ۹، ۱۳۸۷.
۵. جعفری، محمدتقی، فلسفه دین، تدوین دکتر عبدالله نصری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲، پاییز ۱۳۷۸.
۶. جهانیان، ناصر، «معیارهای دخالت دولت اسلامی در اقتصاد»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال پانزدهم، ش ۴، ۱۳۸۹.
۷. جهانیان، ناصر، «نقش دولت در توسعه از دیدگاه امام خمینی» فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳، ۱۳۸۰.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۸/۱/۱۶.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در اولین کنگره بین‌المللی نهج البلاغه، ۱۳۶۰/۲/۲۹.

۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسؤولان نظام، ۱۳۸۷/۶/۱۹.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲.
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی، مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما پس از شرکت در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۰/۳/۱۸.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با وزیر و مسؤولان وزارت کشور و استانداران، ۱۳۷۰/۹/۲۷.
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی، پیام به مناسبت آغاز به کار نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱/۳/۷.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار مسؤولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۱/۴/۵.
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلاي رشت، ۱۳۸۰/۲/۱۲.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت، ۱۳۷۰/۸/۲۷.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۰/۱۹.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۱۰/۱۱.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۸۱/۲/۱۱.
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با کارگران و فعالان بخش تولید کشور، ۱۳۹۲/۲/۷.
۲۷. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری، ۱۳۸۰/۵/۱۱.
۲۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۶.
۲۹. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با جوانان استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶.
۳۰. خامنه‌ای، سیدعلی، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴.
۳۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۰/۲/۴.
۳۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴/۲/۶.

۳۳. عظیمی شوشتری، عباسعلی، «اهداف و وظایف کلی در اسلام»، معرفت شناسی، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۸.
۳۴. فروم، اریک، گریز از آزادی، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۵۶.
۳۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳۶. نوری، عباس، «دولت اسلامی؛ شاخص‌ها و موانع تحقق آن در اندیشه مقام معظم رهبری»، مجموعه مقالات سومین همایش تمدن نوین اسلامی، تهران: دبیرخانه دائمی همایش ملی تمدن نوین اسلامی دانشگاه شاهد تهران، ۱۳۹۷.
۳۷. وینسنت، آندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
۳۸. هیوود، آندرو، سیاست، تهران: نشر نی، چ ۳، ۱۳۹۲.